

یونگ : جدی گرفتن دنیای درون

مقاله [گاردین](#) به قلم [Mark Vernon](#) درباره یونگ گرچه به یک شماره بسنده کرده است و ادامه نیافته است، ولی مطالب جالبی در بر دارد که به همت خانم [مهرناز نورآذر](#) به زیور ترجمه آراسته شده است .



یونگ: زندگی درونی را جدی گرفتن

دستیابی به تعادل مناسب بین آنچه که یونگ آنها را اگو EGO یا خود SELF می نامد، در تئوری “تکامل شخصیت” وی نقشی اساسی بازی می کند.

اگر تا بحال به درونگرا INTROVERT و یا برونگرا بودن EXTROVERT خود فکر کرده اید، اگر تا کنون مفهوم های آرکتایب و یا ناخودآگاه جمعی را به کار گرفته اید، اگر تاکنون به عصر جدید عشق ورزیده و یا از آن متنفر شده اید، اگر تا به حال تست شخصیت MBTI را انجام داده اید، اگر تا به حال به مشاوره رفته اید و به جای درازکشیدن روی تخت روی صندلی روبروی مشاور نشسته اید، در هر یک از این موارد وامدار این مرد هستید:

کارل گوستاو یونگ.

این روانشناس سویسی در سال 1875 متولد شده و در ششم ژوین سال 1961 درگذشت. (هفته ی بعد پنجاهمین سالگرد وی می باشد). پدر بزرگش - که وی هم کارلگوستاو نام داشت - پزشک و رییس دانشگاه بازل بود. همچنین شایع بود که وی پسر نامشروع گوته است، افسانه ای که برای کارل گوستاو جوان، لذت بخش بود، حداقل تا زمانی که وی از پروتستانیزم پراز شک پدرش ناامید شد.

یونگ در کتاب زندگینامه وار خود خاطرات، رویاها و اندیشه ها عنوان کرد که وی برای پدرش “بسیار

افسوس می خورد ” و می دید که چگونه وی تماما در دام کلیسا و تعالیم الهیات آن گرفتار شده است.”

مادر وی شخصیت قدرتمندتری بود، هر چند به نظر می رسد که شخصیت دوگانه ای داشت. ظاهرا وی یک همسر یک کشیش معمولی به نظر می رسید، لیکن به تعبیر یونگ “غیرقابل اعتماد بود”. او از فروپاشی های روانی رنج می برد، و باز به گونه ای دیگر، گاهی چنان با صدای مقتدرانه ای صحبت می کرد که به نظر می رسید به خودش تعلق ندارد. زمانی که پدر یونگ درگذشت، او با لحنی وحی مانند به پسرش گفت ” به خاطر تو، او درست به موقع درگذشت “.

به طور خلاصه، کودکی وی مختل شده بود و وی شخصیت اسکیزوئیدی بی تفاوت و دوری گزین داشت. در حقیقت، او به این تصور رسید که دارای دو شخصیت است، که آن ها را شماره 1 و شماره 2 نامید. شماره 1 فرزند پدر و مادر و زمان خویش بود. لیکن شماره 2 فردی بی زمان بود ” شخصیت مطلقا غیرقابل تعریف : زاده شده، زنده و مرده در یک دید کلی از زندگی ” . (به نظر می رسد که همسالان وی در مدرسه نیز همین برداشت را داشتند، چرا که نام مستعار او “پدر آبراهام” بود).

شاید یونگ خیلی غیرعادی نبود، چرا که بسیاری از کودکان در فانتزی های درونی مشابهی غرق می شوند. تفاوت یونگ در این بود که زندگی درونی خود را جدی می گرفت، وی عنوان کرد ” من همیشه سعی کرده ام که برای آنچه که برآن است که از درونم برخیزد جا باز کنم “. بعد ها او شماره 1 و شماره 2 را تعمیم داد و آن ها را آگو و خود نامید. دستیابی به تعادلی مناسب بین این دو جنبه از روان، در تئوری تکامل شخصیت وی نقش اساسی بازی می کند که تفرد INDIVIDUATION نامیده می شود.

در نهایت یونگ در دانشگاه به موفقیت دست یافت. وی با ” اشتیاقی شگرف در تمامی جنبه ها ” و فارغ التحصیلی از پزشکی و علوم طبیعی در کمترین زمان ممکن، چهره خود را به عنوان دانشجویی باهوش به اثبات رساند. اولین مقاله ی عمومی وی درباره ی محدودیت های علوم دقیقه نام داشت که در آن وی فلسفه انعطاف ناپذیر ماتریالیسم را به چالش کشید. دکترای وی تحت عنوان درباره ی روانشناسی و آسیب شناسی پدیده های به اصطلاح غیبی پایه های دو ایده کلیدی اندیشه های وی را بنا نهاد.

1. اول اینکه ناخودآگاه از قطعه شخصیت [1] های تشکیل شده است که کمپلکس نام دارد. یکی

از راه هایی که آن ها می توانند خود را نشان دهند پدیده های غیبی می باشد.

2. دوم، بخش اعظم عملیات تکامل شخصیت در سطح ناخودآگاه انجام می پذیرد.

او برای اولین بار در بیمارستان روانپزشکی بورخلزلی در زوریخ ، به واسطه ی همکاری با یورگن بلوئر، پزشکی که کلمه ی اسکیزوفرنی را ابداع کرد به شهرت رسید. یونگ آزمون تداعی کلمات Free Association Test فرانسویس گالتون پسر عمه ی چارلز داروین را توسعه داد. لیستی از کلمات برای بیمار خوانده شد و از وی خواسته شد که به هر کدام از آن ها با اولین کلمه ای که به ذهنش می آید پاسخ دهد. پاسخ و زمان لازم برای ارایه پاسخ ثبت شد. تحقیقات قبلی بیشتر نشان داده بودند که مدت زمان طولانی پیش از پاسخ دادن بیانگر این است که کلمه محرک به طور ناخودآگاه برای بیمار آزار دهنده است. گاهی اوقات شناسایی گروهی از این گونه کلمات امکان پذیر است . نقش یونگ در توسعه ی این تحقیقات این بود که این گروه ها را با قطعه شخصیت ها مرتبط سازد و نشان دهد که چگونه این آزمون ، دریچه ای را به سمت دنیای پریشان بیمار روانی می گشایند. وی به این نتیجه رسید که مردم

فقط دیوانه نیستند، بلکه راه و روشی در دیوانگی آن ها وجود دارد.

در یک مورد، یونگ نشان داد که بیماری که به مدت 50 سال روی کار به ظاهر بی معنی ساختن کفش های خیالی متمرکز شده بود، توسط معشوقش که تعمیرکار کفش بود ترک شده بود.

یونگ با شهرتش در زوریخ که با طرح چندین سوال به دست آمده بود در حال شناخته شدن بود که همین سوالات متعاقبا موجب به خطر افتادن آوازه اش شد. این مربوط به ادعای زن باره بودن وی است.

وی در دانشگاه کشف کرد که با قدرت شخصیت و خلاقیت ایده هایش می تواند روی مخاطب تاثیر شگرفی بگذارد. در زوریخ وی سخنرانی های عمومی برگزار نمود. دیدر بیر در زندگی نامه ی تخصصی خود می نویسد: "خیل عظیمی از زنان قبل و بعد از هر سخنرانی ، دور وی حلقه می زدند".

بعدها، زنی به نام سابینا اسپیلرین بیمار وی و طبق شایعات معشوقه ی وی شد که احتمالا تنها یکی از معشوقه های وی بوده است.

رابطه ی نامشروع با بیماران درمیان روانپزشکان گناه غیرقابل بخششی به شمار می آید. آیا یونگ مرتکب این گناه شده بود؟

پس از بررسی شواهد بسیار، بیر به این نتیجه می رسد که کشف حقیقت درباره ی آنچه که اتفاق افتاد غیرممکن است، با اینکه شایعات و حدس و گمان ها به شدت اغراق آمیز به نظر می رسند. علی رغم همه چیز، این سنی بود که زن و شوهر ها حتی در محرمیت خود تنها معصومانه با هم دست می دادند.

یونگ شخصیت محترم و جذابی داشت. تعجب آور نیست که چنین کاریزمایی به طور آزاردهنده ای شهوانی تفسیر گردد. به علاوه در آن زمان ، این که بیماران نسبت به درمانگران خود احساساتی قوی پیدا می کنند، پدیده ای جدید بود (بخشی از آنچه که این روزها پدیده انتقال **transference** نامیده می شود).

اولین همکار فروید، جوزف برور زمانی که یکی از بیماران وی نه تنها عاشق وی شد بلکه به طور خیالی از وی باردار شد، روش درمان کلامی را کنار گذاشت.

فروید در ابتدا بر این عقیده بود که پدیده انتقال **transference** □ موضوعی ناکارآمد است و باید مهار گردد. سپس وی به این باور رسید که این موضوع ، سنگ بنای درمان بوسیله روانکاوی می باشد، چرا که احساسات و عواطف مدفون را دوباره جان می بخشد که در غیر این صورت پنهان می ماندند. لیکن این ما را به مواجهه یونگ با فروید ، بنیانگذار روانکاوی در آینده رهنمون می سازد.

Part-personality [1]

کانال تلگرامی رادیوتوانگری : <https://t.me/drshiri>

اینستاگرام دکتر شیری با 85 هزار دنبال کننده : [instagram.com/alirezashiri](https://www.instagram.com/alirezashiri)

ارتباط با مترجم محترم ، خانم نور آذر : mehrnaz.noorazar@gmail.com